



در باره اقتصاد مقاومتی اولاً عجله نکنیم و ثانیاً در باد خوش بینی و رخوت نخواهیم. با تلاش و سرعت، با دقت کارشناسانه و حمیت ملی به موضوع بپردازیم، اما انتظار غیر واقعی نداشته باشیم.

گفت و گو با قالیباف درباره اقتصاد مقاومتی، مدیریت جهادی و مذاکرات هسته ای

مذاکرات را تبدیل کرده ایم به استاد یوم آزادی

درباره اقتصاد مقاومتی نه عجله کنیم و نه در باد خوشبینی بخوابیم

سید حمید حسینی



خلاء امروز در کشور در زمینه اجرایی شدن اقتصاد مقاومتی چیست؟ آیا این خلاء عدم اعتقاد به اقتصاد مقاومتی است، یا اعتقاد به اهداف اقتصاد مقاومتی وجود دارد اما ضعف در اجرا مانع تحقق این اهداف می شود؟

بسم الله الرحمن الرحیم. به نظر من بعید است در لایه های اصلی نظام جمهوری اسلامی ایران، مقامی را بتوان یافت که به اقتصاد مقاومتی (دست کم به صورت تئوری) اعتقاد نداشته باشد؛ چرا که اقتصاد مقاومتی، یک شعار حزبی نیست که بگوییم چپگرا یا راستگرا بودن این یا آن مقام سیاسی، در مخالفت یا موافقت او با آن مؤثر است. اقتصاد مقاومتی چیزی است از جنس «کارآمدی» یا «نگاه به درون» و «خودکفایی». هیچ سیاستمدار عاقلی با کارآمدی نظام سیاسی یا با خودکفایی کشورش مخالف نیست. اقتصاد مقاومتی یعنی ایجاد زمینه، توان و ساختاری در اقتصاد کشور، که در شرایط مواجهه با فشارهای اقتصادی برون مرزی، اولاً فرو نیاشد، ثانیاً از رشد و شکوفایی باز نماند. من بعید می دانم مشکل ما برای تحقق اقتصاد مقاومتی، عدم اعتقاد مسئولان باشد، هر چند در نظریه پردازی و شیوه اجرا نظرات متفاوتی وجود دارد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره کنم مسئله زمان است؛ از یک سو هنوز زمان زیادی از طرح ایده اقتصاد مقاومتی نگذشته است. قطعاً کار مهمی که اجرای تام و تمام آن به زمان نیاز دارد، توقع تحقق تمام آن ظرف یکی، دو سال دور از واقعیت است. همین که مدیران و مردم جامعه ما در مسیر رسیدن به اقتصاد مقاومتی گام بردارند، واقعه امیدوار کننده ای است. حرکت در مسیر رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید شتابان باشد اما انتظار را باید با زمان تطبیق داد. به هر صورت در فضای اقتصاد مقاومتی با ساختارها، روال ها و قوانینی روبه رو هستیم که گاه نیم قرن قدمت دارند. برای تحولی در این سطح باید واقع بینانه به مردم و مسئولان زمان داد.

از سوی دیگر، زمان حاضر، برهه بسیار حساسی از تاریخ کشور و انقلاب است. تعبیر مقام معظم رهبری از این برهه، به عنوان «پیچ تاریخی»، نشان دهنده ویژه بودن آن است. نقطه ای که فرصت و تهدید با هم است و این رویکرد ماست که معین می کند آیندگان در باره انتخاب ما چه قضاوتی داشته باشند؛ از آن به عنوان انتخاب تاریخی سازنده یاد کنند یا با تأسف به آن بنگرند. در این برهه تاریخی، حتماً بخش مهمی از انتخاب ما، وجهه اقتصادی دارد و اگر در این انتخاب، نگاه به درون، نگاه به توان ایرانی، نگاه مقاومتی حاکم نباشد، بعید به نظر می رسد آیندگان قضاوت خوبی در باره اش داشته باشند. پس دو نکته شد: اولاً عجله نکنیم، و ثانیاً در باد خوش بینی و رخوت نخواهیم.

«اولاً عجله نکنیم، و ثانیاً در باد خوش بینی و رخوت نخواهیم» این پاسخ محمد باقر قالیباف شهردار تهران است در ترمیم شرایط این سوال که چرا اقتصاد مقاومتی در کشور اجرایی نشده است. او معتقد است: «درباره اقتصاد مقاومتی فقدان نظریه منسجم وجود دارد و در باره چپستی و اجزای اقتصاد مقاومتی و شیوه های نظری تحقق آن، توافق نیست». او البته از دولت ها و مجالس مختلف نیز به نسبت انتقاد دارد که به دنبال نگاه های راهبردی نیستند: «متأسفانه در دولت ها و مجالس، البته با قوت و ضعف های متفاوت، اقدامات اقتضایی و پرداختن به نسخه های تسکین دهنده جای نگاه های راهبردی و نسخه های درمانی را گرفته است». قالیباف کمی انتقادش را تندتر می کند و به سمت مسئولان می چرخاند و البته ابایی ندارد خودش را هم جزو مسئولانی بداند که منتقدشان است: «خیلی از ما مسئولان، علاقه نداریم که هزینه ای بدیم. بیش از این که نگران وضعیت امروز و آینده این مردم باشیم، نگران چهره خودمان هستیم». بخش دیگر صحبت های شهردار تهران، معطوف به راه حل های برون رفت کشور از مشکلات اساسی است که با آن دست و پنجه نرم می کند. او در این بخش گریزی می زند به مذاکرات هسته ای و تأکید دارد که نگاه برای ساخت کشور باید نگاه به درون باشد و از همین منظر معتقد است: «الان نقش آقایان طیب نیا، نعمت زاده، سیف، ربیعی و... در مذاکرات هسته ای، کمتر از نقش آقای ظریف نیست». او در تعبیری جالب توجه، زمین بازی مذاکرات را در همین خاک ایران می داند: «باید باور کنیم که زمین بازی مذاکره، ژئووین نیست، پالایشگاه ها و شهرک های صنعتی و نیروگاه ها و... ماست... آقای ظریف هر چقدر هم که توانمند باشد، کل ژئورا هم که با آقای کری قدم بزنند، از موضع تهران تأکید می کند که «مذاکرات مهم است اما گره زدن همه امور کشور به آن یک خطای استراتژیک است». او البته تصریح می کند: «انقلابی گری به معنای انزوطلبی و قطع ارتباط با عالم نیست... ما نه باید دلداه مذاکره باشیم و نه دل نگران آن». گفت و گوی نوروزی خراسان را با دکتر محمد باقر قالیباف شهردار تهران می خوانید.

با تلاش و سرعت، با دقت کارشناسانه و حمیت ملی به موضوع بپردازیم، اما انتظار غیر واقعی نداشته باشیم. اما اینکه چرا هنوز چنان که باید و شاید موفق به تحقق اقتصاد مقاومتی نشده ایم، امری است که علل گوناگونی دارد: اولاً فقدان نظریه منسجم در باره اقتصاد مقاومتی وجود دارد، یعنی به رغم آنکه اغلب خبرگان بر اصل موضوع توافق دارند، در باره چپستی و اجزای آن و شیوه های نظری تحقق آن، توافق نظر وجود ندارد. ثانیاً مشکلات زمینه ای، ساختاری و قانونی در تحقق اقتصاد مقاومتی وجود دارد. به همین مسئله بغرنج اقتصاد مبتنی بر درآمد نفت نگاه کنید. مملکت سال هاست که بر این اساس و با پول نفت اداره شده است. این یعنی عدم نیاز دولت به مردم و نشان دادن مردم بر سر سفره ای که دولت پهن می کند. در این حالت، چون دولت به مردم نیاز ندارد، بخش خصوصی تقویت نمی شود. دولت دائماً فربه می شود و همه چیز تحت سیطره او قرار می گیرد. در این حالت چه انتظاری هست که در صورت بروز بحرانی مانند کاهش فعلی قیمت نفت، مردم و بخش خصوصی بتوانند در قالب یک اقتصاد مقاومتی عمل کنند و نه تنها از بحران بگذرند، بلکه روند رشد و توسعه را هم شتاب ببخشند؟ تقویت کارآفرینان، قطعاً اقدامی است در راستای تحقق اقتصاد مقاومتی. کم توجهی به تقویت واحدهای اقتصادی کوچک و متوسط، عامل دیگری است که سرعت تحقق اقتصاد مقاومتی را کاهش می دهد. برای تحقق اقتصاد مقاومتی، صرفاً نباید به واحدهای اقتصادی بزرگ پرداخت. انبوه واحدهای اقتصادی کوچک و فعال را باید تقویت کرد. ناپلئون بناپارت، انگلستان را به تحقیر «کشوری از مغازه داران» می خواند؛ اما مارگارت تاچر با افتخار می گفت که پدرش مغازه دار بوده و انگلستان کشور مغازه داران کوچک است. منظورم این است که واحدهای تولیدی و اقتصادی کوچک، اهمیتی ویژه در کل سیستم اقتصادی هر کشوری دارند که شاید در بدو امر چنان که باید به نظر نمی آید. ما نباید از این واحدهای کوچک غافل شویم.

وابستگی اقتصاد ایران به نفت، قدمتی ۹۰ ساله دارد. بدیهی است که ما ظرف یک سال نمی توانیم این تاریخ طولانی را خط بزنیم، ولی باید تلاش کنیم که فصل نویی را در اقتصاد کشور آغاز کنیم. اقتصاد مقاومتی دعوت به آغاز این فصل جدید است. دعوت به قطع وابستگی اقتصاد ما به نفت است. تقویت بخش خصوصی واقعی در اقتصاد ایران، یک فریضه اقتصادی است و همه مقامات و نهاد های مسئول باید در این جهت گام بردارند؛ اما رسیدن به این مقصد، امری زمان بر است و یک شبه حاصل نمی شود.

مسئله سوم، اراده است. اراده ای که هم در مسئولان و هم در مردم باید وجود داشته باشد تا در سایه آن بتوان پیش رفت و از سد مشکلات گذشت. به عنوان یک نمونه مهم، اراده جدی در برخورد با مفاسد باید وجود داشته باشد. مقام معظم رهبری فرموده اند: «واقعاً نمی شود ما کار اقتصادی در ست و قوی بکنیم، اما با مفاسد اقتصادی مبارز نکنیم». برخورد قاطع با مفاسد اقتصادی، امری نیست که بیرون از دایره اختیار ما باشد. اگر وابستگی به نفت پیشینه تاریخی بلندی دارد و تبعات آن امروز ناخواسته دامنگیر ماست، برخورد با مفاسد اقتصادی مشمول چنین حکمی نمی شود.

چهارمین مسئله انسجام در سیاستگذاری و اقدام است. اگر ما نظریه داشتیم، به مسائل زمینه ای و ساختاری و قانونی توجه و اراده کردیم برای تحقق امری، باید به صورت یکپارچه و منسجم و متمرکز روی آن موضوع سیاستگذاری و اقدام کنیم. همه آنچه در طول تاریخ توسط ملل مختلف به دست آمده حاصل اراده و انسجام است. مدیریت درست منابع انسانی، مالی، فیزیکی و اجتماعی به سمت و سویی که می خواهیم و پرهیز از تشتت و تفرقه و پرداخت به اهم و گذشتن از مهم، تا وقتی که اهم هست، لازمه تحقق هدف است. به عنوان نمونه عرض می کنم مدیریت دقیق منابع ارزی و یا ترویج فرهنگ صرفه جویی و مهار اسراف در مصرف. رسانه ها در این موضوع نقش بسزایی دارند، خصوصاً صدا و سیما و محصولات فرهنگی که در جامعه